



دماپزشکی شهرستان صحنه کرمانشاه ضلعفونی می کنند: نیروهای بالباس و ماسک مخصوص. سید علی ابراهیم پور یکی از همین نیروهاست. می گوید ما برای دفن بهداشتی دام‌های تلف شده آمدیم. چند نفرمان اینجا هستیم، چند نفر هم در روستاهای دیگر پخش شده‌اند. از مردم هر کسی دام دارد، با شماره ۳۰۹۱ تماس بگیرد تا ما بیاییم و محل را ضد عفونی کنیم.»

حضور نیروهای امدادی و مردمی

باد بلند می‌شود و بوی تعفن لاشه‌هایی که چهار روز زیر آوار مانده‌اند، می‌پیچد توی هوا. ابراهیم پور و همکارانش سریع می‌روند سراغ دام‌ها. بو، ما را عقب می‌راند به سمت روستای کوئیک حاتمی. همان‌جایی که داخل حیاط خانه امام‌جمعه روستا، بچه‌های جمعیت امام علی (ع) مستقر شده‌اند. بچه‌هایی که مدام بین مردم می‌چرخند و هر کدام یک وسیله کمکی با خودشان دارند. معتب نریزی مسئول نیروی انسانی جمعیت امام علی کرمانشاه، با صدای بلند بچه‌ها را هدایت می‌کند. هر کدام را پی کاری می‌فرستد و همان‌طور که مشغول جابه‌جایی بطری‌های آب‌معدنی است به ما می‌گوید: «ما از ساعت ۸ روز بعد زلزله، فرمانداری سرپل ذهاب بودیم و با آن‌ها برای امداد رسانی وارد مذاکره شدیم، یک سری نامه هم ردوبدل شد اما به‌جایی نرسیدیم، چون شهر شدیداً در حالت ناهسامانی قرار داشت. باین‌حال ما را به سمت چند روستا مثل کوئیک حاتمی، تپانی و... راهنمایی کردند و گفتند که این‌ها بیشتر تخریب را دارند.» بچه‌های جمعیت امام علی با غذای گرم از راه رسیده‌اند؛ ۲۰۰ ظرف یک‌بار مصرف عدس‌پلو و رشته‌پلو که بین مردم یکی یکی پخش شده‌اند. نریزی می‌گوید: «در حال حاضر مشکل این چند روستا، فقط بیخ چادر است، چون چادرهای مسافرتی اصلاً سرما را نگه نمی‌دارند و زیر باران دوام نمی‌آورند. شینم سلطانی، سارا صادقی، فاطمه موزون و میلاد امیرخانی هم بچه‌های فعال دیگر جمعیت هستند. جوان‌هایی که آستین همت بالا زده‌اند برای کمک. بین زلزله‌زده‌ها می‌چرخند و روی زخم‌های روستا مرهم می‌گذارند.»

گزارشی از روستاهای زلزله‌زده اطراف سرپل ذهاب کوئیک؛ چهار روز پس از زلزله قبرها نام و نشانی ندارند و دیگر کسی نمی‌خواهد

بیرون، خودشان برای آخرین بار صورت‌شان را دیده‌اند، کیود و خون‌آلود. خودشان آن‌ها را توی قبر گذاشته‌اند: «چکار می‌کردیم؟ مرده‌هایمان بو می‌گرفت، نمی‌توانستیم نگاهشان داریم. همه را همان موقع خاک کردیم.» همان موقعی که کریم می‌گوید، همان روز اول است، صبح بعد از زلزله. وقتی آفتاب بالا آمد و اهالی چهار روستای کوئیک حاتمی، کوئیک عزیز صیفوری، کوئیک حسن، کوئیک مجید، چانه‌ها را یکی یکی شمردند، از یک شروع کردند و رسیدند به ۱۲۵. از این ۱۲۵ تا ۶ تا سهم خانواده کریم بود. شش نفری که حالا همگی کنار هم در اولین ردیف قبرهای گورستان بزرگ کوئیک زیر خروارها خاک دراز کشیده‌اند؛ گورستانی که یک‌شنبه پر شده از جنازه. ظهر چهارمین روز زلزله، داخل گورستان، پرند پر نمی‌زند. ماییم و ده‌ها قبر خاکی ساده. اینجا قبرها، یک تل خاک‌اند. از سنگ‌قبر و نام و نشان خبری نیست. مردم جای مرده‌هایشان را از حفظ‌اند. روی تل خاک، یک سنگ می‌گذارند و همین سنگ می‌شود نشانه.

قبرهای تازه با بقیه فرق دارند، تل خاک‌هایشان طولانی‌تر است، به‌اندازه قد سه تا آدم. عرض‌شان هم بیشتر است، به‌اندازه شانه‌های دوتا آدم. قبرهای تازه با بیل مکانیکی کنده شده‌اند، عمیق، گود و طولانی، همین است که چند جنازه را باهم دل‌دلشان جا داده‌اند. مثل همان شش عضو خانواده مرادی که قبل از زلزله چشم‌هایشان را بستند و خوابیدند و همان‌طور خواب به خواب رفتند. این خانواده هنوز چادر ندارند

زلزله و پس‌لرزه‌هایش اینجا خواب را از چشم همه برده، حتی اگر چهار روز گذشته باشد؛ مریم مرادی و دخترش سعیده پالانی هم ۴ روز است که یک خواب راحت نکرده‌اند. خانه آن‌ها مرد ندارد، فقط خودشان هستند و خودشان، مادر و دختر. مرد خانه‌شان، ۳۵ سال پیش در قصر شیرین شهید شده، تا آن‌ها هم بشوند یکی از ۲۷ خانواده شهید روستای کوئیک حسن. حالا نگرانی مریم این است که خانه‌شان خراب شده و همه مدارکشان مانده داخل خانه؛ «شناسنامه، کارت ملی، کارت بنیاد شهید. هیچ‌نداریم، همه مانده آن داخل. جرات نمی‌کنیم برویم بیاوریم.» آن‌ها هم زلزله را خوب به یاد دارند؛ سعیده یادش است که قرص‌های مادرش را داده بود که زلزله آمد. اول برق رفت و بعد خانه‌شان ترک برداشت. یادش است که خودش را از پنجره پشتی خانه انداخت بیرون، بعد مادرش را از



خاک سردی می‌آورد؟! نه دروغ گفته‌اند؛ بدری این را باور نمی‌کند. پس چرا هنوز دلش قرار ندارد؟! چرا اشک‌هایش تمام نمی‌شود؟! چرا یک قطره آب هم از گلویش پایین نمی‌رود؟! حالا که چهار روز گذشته... چهار روز است که بدری سیاه پوشیده؛ چهار روز است که عزیزانش را گذاشته توی یک قبر. کنار هم، روی‌شان خاک ریخته. برگشته و توی حیاط خانه‌ای که دیوار ندارد و سقفش آوار شده، نشسته به انتظار.

به گزارش جام جم آنلاین، اهالی روستای کوئیک حسن، ۴ روز بعد از زلزله هنوز به‌تازگی جلوی خانه‌هایشان کنار جاده نشسته‌اند و چشم‌شان به‌قطار ماشین‌های امدادی است که می‌آیند و می‌روند؛ ماشین‌هایی که پشت سر هم ردیف شده‌اند در دل جاده؛ آب‌معدنی می‌آورند و غذای گرم، لباس و پتو و لوازم بهداشتی.

بدری آزادی، اما حواسش به هیچ‌کدام از این‌ها نیست. داخل چادر سفیدرنگ هلال‌احمر، با فامیل‌هایش نشسته. با زن‌هایی که آمده‌اند برای عرض تسلیت. همسایه‌هایی که می‌دانند زلزله از این زن ۶۰ ساله ۶ قربانی گرفته. بدری ما را که می‌بیند، هژ هژش بیشتر می‌شود، دست‌هایش را می‌آورد بالا، او با انگشت یکی یکی می‌شمرد، ما می‌نویسیم: «این مرادی، هاجر آزادی، اسوه مرادی، بشری مرادی، طوبی مرادی و حسین صیفوری.» روی هم می‌شود ۶ تا. زلزله ۷،۳ ریشتری یکشنبه‌شب از بدری ۶ قربانی گرفته؛ شش تا بدری خودش هم باور نمی‌کند یک تکان کوچک زمین، این‌طوری داغ روی دلش گذاشته باشد. کریم پسر کوچک‌ترش است؛ چشم‌هایش سرخ‌شده از گریه. می‌آید و می‌نشیند داخل چادر، می‌گوید: «حال مادرم را می‌بینید؟ نمی‌داند برای کدام‌شان گریه کند؟ برای برادرم با زن و بچه‌هایش یا خواهرم و پسرش؟!»

کریم با بقیه مردهای فامیل خودشان آن‌ها را یکی یکی از زیر آوار کشیده‌اند

تسهیلات طرح با

۴%

طرح قرض الحسنه ناب

- حداقل مدت انتظار ۴ ماه
- حداقل مدت بازپرداخت ۱۲ ماه
- حداکثر مدت بازپرداخت ۲۸ ماه
- کارمزد وام قرض الحسنه ۴ درصد
- پرداخت وام به میزان ۹۰ درصد میانگین موجودی تا سقف ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- به ازای هر ۲ ماه انتظار ۴ ماه به مدت بازپرداخت اضافه خواهد شد.
- حداقل موجودی حساب جهت اخذ میانگین ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال میباشد

موسسه اعتباری نور
NOOR CREDIT INSTITUTION

دارای مجوز رسمی از بانک مرکزی ایران
با بیش از ۲۳۶ شعبه در سراسر کشور
مرکز تماس: ۰۲۱-۴۳۶۱۶۰۰۰
وب سایت: www.noorbank.ir

خواهشمند است جهت کسب اطلاعات بیشتر، مشاوره، و آشنایی با طرح‌های دیگر موسسه مالی نور به یکی از ۲۳۶ شعب ما مراجعه نمایید.

تسهیلات طرح نگین

اعطای وام جعاله به میزان ۵۰ درصد
از مبلغ سرمایه گذاری
بانرخ سود ۴ درصد
و بازپرداخت به صورت اقساط
۳۶ ماهه یا سررسید یک ساله

موسسه اعتباری نور
www.noorbank.ir